



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در تنبیه ششم از تنبیهات دهگانه معاطات بود ،  
مقدمتاً باید عرض کنیم که این تنبیه طبق مبنای مشهور  
منعقد شده ، مشهور و صاحب جواهر قائلند که معاطات  
مفید ملکیت نیست بلکه مفید إباحه می باشد و از زمان  
محقق کرکی به بعد قائلند که معاطات مفید ملک جائز  
می باشد و اما متأخرین خط بطلان بر این دو قول  
کشیدند و فرمودند که بین معاطات و بیع بالصیغه فرقی  
نیست یعنی معاطات نیز مثل بیع بالصیغه مفید ملکیت می  
باشد بنابراین بحث در این تنبیه سادس طبق نظر مشهور  
و خصوصاً صاحب جواهر منعقد شده است .

عرف متشرعه معاطات را مفید ملکیت می دانستند و  
چندین قرن معاملاتشان را نوعاً با معاطات انجام می  
دادند و مال مورد تعاطی را مثل ملک خودشان می  
دانستند لذا با آن معاملات ملک می کردند و از آن مال  
خمس و زکات می دادند و بعد از مرگشان آن مال از  
آنها به ارث باقی می ماند و امثال ذلک ولی مشهور افعال  
مأخوذ در معاطات را مفید إباحه می دانستند و می  
گفتند که مال مورد تعاطی متعلق به شما نیست بلکه فقط  
تصرف در آن برای شما مباح می باشد آن هم تصرفاتی  
که با ملک منافات نداشته باشد ، خلاصه اینکه بخاطر  
این اختلاف نظر شیخ ناچاراً توجیهاتی برای کار متشرعه  
ذکر کرده که تنبیه ششم در واقع توجیه عمل متشرعه ( انجام معاملات ملک معاطاتی ) می باشد .

شیخ ابتدا تأسیس اصل کرده و فرموده علی القول  
بالمملک مرجع در معاطات أصالة اللزوم می باشد و علی  
القول بالإباحه أصل عدم لزوم می باشد ، ایشان در ادامه  
به سراغ ملزومات معاطات رفته یعنی بعد از اینکه قائل  
شدیم طبق نظر مشهور معاطات مفید إباحه و جواز است  
حالا باید ببینیم که چگونه لازم می شود تا اینکه آثار  
لزوم را بر آن مترتب کنیم .

اولین از ملزومات معاطات تلف عوضین می باشد اجماعاً  
، که چهار صورت دارد : تلف هر دو عوض ، تلف  
أحد العوضین ، تلف بعض من کل من العوضین و تلف  
بعض من أحد العوضین .

علی القول بالإباحه مالک نمی تواند بعد از تلف شدن  
عوضین به مباح له مراجعه کند و مباح له ضامن نیست ،  
به عبارت دیگر علی القول بالإباحه اگر عوضین تلف  
شوند با آنکه قاعده علی الید ضمان را اقتضاء می کند  
ولی مباح له ضامن نیست زیرا اولاً أصل مال در ملک  
مالک باقی است و فقط تصرف در آن برای مباح تجویز  
شده و ثانیاً ید مباح له ید عدوانی نیست که ضامن باشد  
بلکه ید او ید استیمان می باشد و امین اگر تعدی و  
تفریط نکرده باشد ضامن نیست .

ملزم ثانی : لوکان أحد العوضین دیناً فی ذمة  
أحد المتعاطیین ، یعنی دین علی من هو علیه را معاطاتاً  
به طرف دیگر فروخته که در اینجا نیز علی القول  
بالإباحه و علی القول بالمملک بحث شده است .

ملزم ثالث : نقل العینین أو أحدهما بعقد لازم أو بعقد  
جائز ، در ادامه در جواز تراد علی القولین در صورتی که  
: ولو عادت العین بفسخ بحث شده و همچنین در این

إمتزاج عینان أو أحدهما علی القول بالإباحه و علی القول بالملک چهار صورت دارد و بالاخره تصرف مغیر در عین مثل آرد کردن گندم علی القول بالإباحه و علی القول بالملک دو صورت دارد ، بنا براین شیخ انصاری (ره) ۲۹ صورت ذکر کرده و در هر یک با دلیل بحث کرده البته همانطور که عرض شد تمامی بحث ها مبتنی بر قول مشهور (معاطات مفید إباحه است) می باشد .

تنبیه ششم به کلام مشهور و خصوصاً صاحب جواهر ( جواهر جلد ۲۲ ص ۲۲۹ تا ص ۲۳۷ ) نظر دارد لذا تمام صوری که در جواهر ذکر شده در مکاسب نیز ذکر شده البته به نظر بنده برای کسی که خارج مکاسب می خواند بحث تفصیلی از صور ۲۹ گانه مذکور لازم نیست . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

بحث شده که : ولو باع العین ثالثاً فضولاً فأجاز المالك الأول أو أجاز مالك الثاني ، که این نیز باز علی القول بالإباحه و علی القول بالملک چند صورت پیدا می کند . ملزم رابع : ولو إمتزجت العینان أو أحدهما ، که مزج نیز دوجور است ؛ مزج قابل تمییز مثل مزج گندم با جو و مزج غیر قابل تمییز مثل مزج سرکه با شیر ، و همچنین بحث شده که اگر مزج نکرده بلکه تصرف کرده و تغییر داده مثلاً گندم را آرد کرده حکمش چیست؟ .

ملزم خامس : موت أحد المتعاطیین می باشد و ملزم سادس : مجنون شدن أحد المتعاطیین می باشد ، خوب اینها کلی مطلب بود که به عرضتان رسید .

شیخ انصاری (ره) ملزمات را تفصیلاً به ۲۹ وجه تقسیم کرده : ۸ صورت مربوط به تلف العینین علی القول بالإباحه و علی القول بالملک می باشد .

ملزم دوم یعنی لو كان أحد العوضین دیناً ، علی القول بالإباحه و علی القول بالملک دو صورت دارد .

ملزم سوم یعنی نقل العینین أو أحدهما ، دو صورت علی القول بالإباحه و دو صورت علی القول بالملک دارد .

لو عادت العینین أو أحدهما بفسخ ، علی القول بالإباحه و علی القول بالملک دو صورت دارد .

نقل العینین أو أحدهما علی القول بالإباحه ( بعقد جائز ) و علی القول بالملک ( بعقد لازم ) دو صورت دارد .

لو باع العین ثالثاً فضولاً فأجاز المالك الأصلي أو أجاز الماك الثاني ، علی القول بالإباحه و علی القول بالملک چهار صورت دارد .